

آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی در نگاه ژان شاردن

محمدعلی رنجبر^۱، مریم السادات موسوی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.5170](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.5170)

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۴

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ق.م) به دلیل احیای اقتدار سیاسی دولت و استحکام پایه‌های حکومت ایرانی، از ماندگارترین و برجسته‌ترین ادوار تاریخ ایران در دوره اسلامی است. این دوره به دلیل جریان‌ات و تحولات بین‌المللی و نیز اکتشافات جغرافیایی که توسط غربیان صورت گرفته بود، سرآغاز دوره جدیدی در روابط و مناسبات تجاری و رفت و آمد سفیران به ایران شد؛ بنابراین روند تحولات و روابط تجاری ایران و دول غرب، بستر رفت و آمد سیاحان فراوانی از جمله شاردن (۱۶۶۴م) را به ایران فراهم آورد. میان سیاحانی که در دوره صفوی به ایران سفر کردند، آثار شاردن از اهمیت خاصی برخوردار است؛ از این رو با توجه به اهمیت آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی به عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگ ایرانیان، این پژوهش ضمن بررسی مصادیق مهم آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی در سفرنامه شاردن، دنبال پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین شاخصه‌های نگرش شاردن در بررسی پیدایش و تکوین آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی چه مواردی هستند؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از سفرنامه شاردن به طبقه‌بندی و

^۱ - دانشیار گروه، تاریخ دانشگاه شیراز ranjbar@shirazu.ac.ir

^۲ - دانش آموزنده کارشناسی ارشد تاریخ بعد از اسلام، دانشگاه شیراز m.moosavi_shu82@yahoo.com

تحلیل آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی در دو حوزه ملی و مذهبی و بررسی مشخصه‌های دیدگاه شاردن در این زمینه پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی است که شاخصه‌های نگرش شاردن نسبت به آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی، بر محور تحلیل و مقایسه موارد فوق با مؤلفه‌های عناصر فرهنگی و مشخصاً آداب و رسوم جامعه اروپایی معاصر با عصر صفوی (قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی) قرار دارد. علاوه بر آن مشخص شده، در بررسی‌ها و نگرش شاردن در مورد آداب و رسوم ملی و مذهبی ایرانیان، عواملی همچون فرهنگ و تمدن ایران باستان، آموزه‌های اسلام و شرایط آب و هوایی و اقلیمی ایران، در تکوین و تداوم آداب و رسوم ایران در دوره اسلامی اثرگذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: آداب و رسوم، سفرنامه شاردن، صفویه، مذهبی، ملی.

مقدمه

اهمیت دوره صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ق.م) برای تاریخ ایران نه تنها از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی قابل توجه است، بلکه از نظر شکل‌گیری نهایی نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران نیز اهمیت بسیاری دارد. در واقع آن هنگام که صفویان با تلفیق سه عنصر اساسی شریعت، طریقت و سلطنت، اقتدار جامعه را در دست گرفتند، توانستند جایگاهی رفیع به دست آورند. (رویمر، ۱۳۹۱: ۷). در دوره مذکور، با شکل‌گیری تحولاتی در عرصه مناسبات جهانی و روابط بین‌الملل، روابط ایران با اروپا شکل نوینی به خود گرفت و موجب افزایش ضرورت آگاهی آنان از شرق شد و از جمله پیامدهای آن، ورود سیاحان اروپایی به شرق بود. علاوه بر اینها، رفت و آمد هیئت‌های سیاسی، تجاری و مذهبی به ایران در دوره صفوی و نیز به دلیل روابط و مناسبات خارجی گسترده‌ای که دولت صفوی با اروپاییان برقرار کرد، بسترهای ورود سیاحان اروپایی را به ایران فراهم آورد که حاصل آن، پیدایش ادبیات سفرنامه‌نویسی و گردآوری و شرح اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی ایران در قالب سفرنامه‌ها شد.

به طور کلی در عصر صفوی سیاحان بسیاری به ایران سفر کردند و در سیاحت‌نامه‌های خود مطالب فراوانی درباره چگونگی اوضاع و احوال اجتماعی ایران، ارائه دادند. یکی از حوزه‌های مهم ادبیات تطبیقی، بررسی و تامل در تلقی خاص ملت‌ها نسبت به یکدیگر و تصویرهایی است

که ملت‌ها از دیگری در آثار خود ارائه داده‌اند. در این میان آثاری از قبیل سفرنامه‌ها در روایت جهانگردان، که ترکیبی است از عقاید شخصی مؤلف، واقعیت‌های پیرامون او و برداشت وی از این واقعیت‌ها در بازشناسی شناخت، توهمات و تصویرهایی که در ذهنیت ملت‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد، نقش تعیین کننده دارد. (علوی زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۸)

بر اساس اطلاعات سودمندی که سفرنامه‌ها در زمینه حیات اجتماعی ملت‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند، شاید بتوان گفت متون تاریخی، آگاهی چندانی از اوضاع فکری و اجتماعی جامعه ایران ارائه نکرده‌اند؛ به بیان دیگر در حالی که بسیاری از رفتارهای اجتماعی و فرهنگی که از سوی مردم و یا مؤرخان اموری عادی و طبیعی به نظر می‌رسد، از دیدگاه یک بیگانه، این امور حیرت‌انگیز و غیرطبیعی جلوه می‌کند؛ بنابراین سریعاً به ثبت و ضبط وقایع مبادرت می‌کنند و جزئیات به ظاهر بی‌اهمیت یک قوم و قبیله را می‌نویسند و چنین مواردی در دوره‌های بعد به عنوان تاریخ اجتماعی قابل توجه است. (دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۲۵)

برای بررسی نگرش شاردن به آداب و رسوم ایرانیان در این دوره که موضوع پژوهش حاضر است، در ابتدا باید مفاهیمی از جمله فرهنگ و آداب و رسوم در حوزه تاریخ، با رویکردی جامعه‌شناسانه مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه در قالب فرهنگ شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم اجتماعی هر جامعه است. به عبارت دیگر تمدن و فرهنگ هر قوم، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که آن را از سایر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد و مجموعه‌ای پیچیده است که در زبان، ادبیات، اعتقادات مذهبی، سنن اجتماعی ملت‌ها تجلی یافته و از نسلی به نسل بعد انتقال می‌یابد. (انصاری، ۱۳۷۹: ۱۴)

آداب و رسوم به عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگی، شامل شیوه‌های زندگی، عادات و رسوم خاص یک ملت، مردم و یا یک جماعت می‌شود. (بیرو، ۱۳۶۷: ۲۳۲)

چنانچه ذکر شد، سفرنامه شاردن از مهم‌ترین سفرنامه‌های اروپاییان در عصر صفوی محسوب می‌شود. آثار شاردن در شمار مفصل‌ترین و ارزشمندترین منابع تاریخ ایران است. علاوه بر آن، شاردن یکی از مشاهیر بزرگ و فلاسفه جهان در قرون جدید است و بسیاری از فیلسوفان و محققین و مورخین مشهور قرن هجدهم میلادی از قبیل مونتسکیو، روسو، دیدرو، گیبون و حتی لامارک و داروین در تدوین نظریات تاریخی و تهیه آثار علمی گرانبه‌ای خود، از عقاید فلسفی و اجتماعی شاردن بهره‌مند شدند. شاردن با تحقیقات دقیق و تتبعات علمی مخصوص

خود، ایران و ایرانیان را چنان که باید به جهان معرفی کرد و با شیوه نوین انتقادی و تاریخی خود، دانش ایران‌شناسی را در غرب بنیان نهاد. بنابراین می‌توان او را بانی ایران‌شناسی در اروپا معرفی کرد. (شاردن، ۱۳۳۵: ۱۲/۱-۱۳) در بررسی پیشینه موضوعی نوشتار حاضر، تاکنون پژوهش‌گران فراوانی دیدگاه‌ها و روایات سیاحان اروپایی در مورد اوضاع اجتماعی، فرهنگی و نیز آداب و رسوم ایرانیان را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما تاکنون به طور مستقل، پژوهشی جامع، روشمند و طبقه‌بندی‌شده درباره آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی بر اساس آثار شاردن به عنوان مجموعه‌ای کامل از اوضاع جامعه ایران عصر صفوی و نیز تحلیلی دقیق از دیدگاه‌های وی در موضوع پژوهش حاضر صورت نگرفته است. لیکن این پژوهش در نظر دارد با بررسی آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی در دو حوزه ملی و مذهبی، بر اساس روایت شاردن، مصادیق مشخص آن را در دو حوزه فردی و اجتماعی واکاوی کند و در خلال آن به مهم‌ترین شاخصه‌های نگرش شاردن نسبت به آداب و رسوم ایرانی نایل گردد.

زندگی و اثر شاردن

زندگی شاردن به سه دوره قابل تفکیک است: دوره اول زندگی وی در پاریس با حضورش نزد پدر و فراگرفتن حرفه جواهرسازی و شناخت انواع سنگ‌های قیمتی سپری شد. اما دوره دوم زندگانی ژان شاردن شامل آغاز سفرهای وی به مشرق زمین و سیر و سیاحت در ایران، سرزمین عثمانی و هندوستان بود و شاردن سومین مقطع از حیات خود را با تالیف سفرنامه‌اش و اقامت در انگلستان سپری کرد.

ژان شاردن در ۱۶ نوامبر ۱۶۴۳ م. / ۵۳/۱۰۵۳ ق. شش ماه پس از مرگ لویی سیزدهم (۱۶۰۱-۱۶۴۳ م.) از امپراتوران فرانسه، در شهر پاریس چشم به جهان گشود. زندگی او سراسر تکاپو و فعالیت در حرفه جواهرفروشی و تجارت بود و اگر شور و عشق مفرطی را که به سیر و سفر نداشت، او را به سرزمین‌های دیگر از جمله ایران و هندوستان و انگلستان نکشاند، همواره باید زیر سایه لویی چهاردهم، امپراتور فرانسه، به سر می‌برد. شاردن در سال ۱۶۶۴ م. به عشق جهانگردی و تجارت الماس به هند رفت و پس از آن به سایر سرزمین‌های مشرق زمین سفر کرد. آوازه شاردن بیشتر به سبب شرح سفرها و مشاهداتش در نیمه‌ی دوم قرن ۱۷ م / ۱۱۱۱ ق. است و آنچه بیش از همه شاردن را مشهور ساخته بود، توصیف او از جامعه ایران در نیمه دوم

سده هفدهم میلادی / یازدهم هجری بود.

شاردن به لحاظ بینش علمی و دقت نظر، سرآمد همه سیاحان اروپایی در ایران سده یازدهم هجری / هفدهم میلادی بود. آثار شاردن با توجه به گستردگی آن به لحاظ کمی و کیفی، در شمار مفصل‌ترین منابع تاریخ ایران است و به طور کلی ارزش و اعتبار علمی این اثر از آن جهت است که علاوه بر شرح فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی، به شرح علوم و هنر ایرانیان نیز پرداخته است. شاردن به تاریخ ایران باستان علاقه داشته و نیز به اهمیت تاریخ ایران در دوره اسلامی پی برده است. به همین دلیل در طول سفرش، در بازدید از شهرها، وجه تسمیه و گذشته شهرها را ذکر کرده است. او هر چند مطالعات تاریخی مختصری داشته است به اهمیت تاریخ در هویت ایرانی آگاه بود. او هخامنشیان را پارسیان نامیده، لذا از ابتدا تا انتهای سفرنامه‌اش، از ایرانیان با عنوان پارسیان نام می‌برد. (جعفری، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۰) وی می‌نویسد: «ایرانیان به مانند ترکان، از سرزمین توران آمده‌اند و در حقیقت در آن سرزمین بزرگ و وسیع وارد ایران شده‌اند و سنن و رسوم باستانی خویش را همچنان پایدار و استوار نگه داشته‌اند». (شاردن، ۱۳۳۸: ۱۹۶/۵)

انعکاس آداب و رسوم ملی ایرانیان عصر صفوی در سفرنامه شاردن

ایرانیان از دیرباز سنت‌های دیرینه و کهن فرهنگی خاص خود را داشتند که علی‌رغم حملات اقوام بیگانه از جمله اعراب و مغولان به ایران و ویرانگری‌های مادی و معنوی و دوران فترت تاریخی، فرهنگی نسبی حاصل از این حملات، همچنان با قوت تمام به حیات فرهنگی خود ادامه دادند. از آنجایی که فرهنگ یک معنای عام و کلی دارد، فرهنگ ایرانی نیز شامل آداب و رسوم، اخلاقیات، عادات و غیره می‌شود و شاید هر یک از این زمینه‌ها، مشخصه‌های خاص خود را دربر داشته باشد.

آداب و رسوم ملی ایرانیان خصوصاً در دوره صفوی، مواردی از جمله اعیاد و جشن‌های ملی، رسوم اجتماعی و سبک زندگی آنها را در بر می‌گیرد که در گذر ایام و در سیر تاریخ تمدن ملل، به صورت آداب و رسوم زندگی آنها در آمده است. اما مسئله‌ای که پژوهش حاضر پیش رو دارد این است که آداب و رسوم ملی ایرانیان به لحاظ فرهنگی در دوره صفوی دارای چه مشخصه‌هایی دارند و به چه صورت در سفرنامه شاردن بازتاب یافته‌اند.

مراسم نوروز باستانی ایرانیان عصر صفوی از نگاه شاردن

آداب و رسوم ملی ایرانیان در دوره اسلامی، تلفیقی از سنن ملی برجا مانده از دوره باستان و نگرش دینی مردم این مرز و بوم بوده است. مراسم عید نوروز یکی از برجسته‌ترین ابعاد آداب و رسوم ملی ایرانیان است که هر ساله با شکوه و جلال برگزار می‌شود و این جنبه از زندگی اجتماعی ایرانیان به شدت مورد توجه سیاحان و جهانگردان اروپایی از جمله شاردن قرار گرفته بود. نوروز از مؤلفه‌های غیرقابل انفکاک فرهنگ ایرانیان در همه دوره‌های پیش و پس از اسلام بوده است و در دوره صفویه نیز به عنوان یک جشن ملی از سوی حکومت و مردم، با آداب کامل آن برگزار می‌شد و از دوره شاه عباس اول به بعد بر دامنه تشریفات آن بسیار افزوده شد.

بنابر روایات شاردن، ایرانیان در دوره صفویه، عید نوروز را «عید لباس نو» می‌خوانند؛ زیرا حتی فقرا نیز در جشن نوروز لباس نو به تن می‌کردند. گرچه ثروتمندان هر روز لباسشان را عوض می‌کردند و لباس جدیدی می‌پوشیدند. شاردن با تأکید بر نوروز به عنوان جشن ملی ایرانیان در عصر صفوی، در این باره یادآور شده است:

حلول سال نو در پایتخت و شهرهای بزرگ با شلیک توپ و تفنگ اعلام می‌شود. منجمین لباس فاخر در برکرده، یک یا دو ساعت پیش از اعتدال ربیعی برای تعیین تحویل آفتاب به برج حمل به کاخ سلطنتی و یا عمارت حکومت می‌روند و در پشت بام و یا روی مهتابی با اسطرلاب خود مشغول کار می‌شوند و به محض اینکه علامت دادند، برای اعلام حلول سال جدید، شلیک می‌شود و صدای آلات موسیقی، طبل و شیپور و نقاره در هوا طنین انداز می‌گردد. بدین ترتیب ترانه، طرب، جشن و سرور در تماشاچیان و بزرگان مملکت آغاز می‌شود. (همان: ۳۶۳/۲)

به گفته شاردن، در عید نوروز هر کس هدایا و تحفی فراهم می‌کرد و برای یکدیگر تخم مرغ‌های طلایی و منقش ارسال می‌کردند. به طور مثال شاهنشاه پانصد تخم مرغ از نوع مزبور در بشقاب‌های نفیس در سرای خود بین سوگلی‌های خویش بخشش می‌کرد. همچنین روایت کرده است که ایرانیان در تمام ادوار تاریخ خود در ایام نوروز به یکدیگر تخم مرغی هدیه می‌دادند و چون تخم مرغ نشانه پیدایش حیات و آغاز تکوین موجودات است، تعداد مصرف آن در ایام نوروز باور ردنی نبود (همانجا). در این ایام مبارک، افراد مؤمن و متدین در صورت امکان تمام ساعات روز، در سال جدید را با دعا و عبادت در منزل خویش می‌گذرانند و در طلوعه صبحدم اغتسال می‌کردند. پوشاک بسیار تمیز می‌پوشیدند و به قرائت قرآن و کتب نفیس خویش می‌پرداختند و با زهد و عبادت آرزومند بودند که سال نو را به خوشی و خرمی به سر برند. (همان: ۳۶۵-۳۶۶).

آداب و رسوم ازدواج ایرانیان از نگاه شاردن

در یک نگرش کلی، بنیان و اساس ازدواج در ایران اسلامی، به عنوان مقوله‌ای اجتماعی، ریشه در آموزه‌های مذهبی دارد و تأکید دین اسلام بر رعایت موازین شرعی در این زمینه، به منزله امری مذهبی و معنوی است. از سوی دیگر این امر را باید در نظر داشت که مراحل مختلف این امر از جمله مراسم اولیه و عقد و عروسی نزد ایرانیان و نیز اقوام و ملل گوناگون، می‌تواند برابندی از آداب و سنن و اعتقادات ملی، محلی و قومی آنان باشد. شاردن در این باره از منظر اسلام نقل کرده است:

دین اسلام عمل ازدواج را به مثابه یک وظیفه دینی می‌داند و انجام تاهل را برای هر مؤمن مسلمانی واجب می‌شمارد. در این آیین، تجرد و رهبانیت ممنوع است و امتناع از ازدواج را معصیت و یک عمل خلاف طبیعت می‌داند. (همان: ۳۳۳/۲-۳۳۴)

ازدواج ایرانیان عصر صفوی خصوصاً مردم عامه، آداب و رسوم، تشریفات و مراحل خاصی از جمله مراسم خواستگاری و عقد و عروسی را نیز در بر می‌گرفت. به گفته شاردن، مراسم عقد و ازدواج نزد ایرانیان در یک محل مخصوص که فقط داماد، نمایندگان طرفین و یک شخص روحانی حضور داشتند برگزار می‌شد و معمولاً مراسم عقد به دست روحانیون انجام می‌گردید. در این مراسم چنانچه طرفین از طبقات عالی و طراز اول بودند، صدر که پیشوای مذهبی و شیخ الاسلام که قاضی کل کشور بود، برای خواندن عقد دعوت می‌شد. (همان: ۳۴۳) به طور کلی گزارش‌های شاردن در مورد آداب و آیین ازدواج ایرانیان علاوه بر گستردگی، از روح منطق و درک و شناخت ماهیت و اصالت چنین مقوله‌ای برخوردار است و دیدگاه وی نسبت به این موضوع نیز با دیدگاه‌ها و آموزه‌های اسلامی انطباق دارد.

آداب دربار صفوی؛ فر و شکوه دربار صفوی

یکی از جنبه‌های مهم دربار ایران عصر صفوی، چنانچه شاردن به روایت آن پرداخته است، شکوه و جلال دربار است که بیش از هر چیز در نظر سیاحان اروپایی جلوه‌گر بوده است. شکوه و تجمل دربار سلطنت به خصوص در سه مورد بیشتر مورد توجه شاردن قرار گرفته است

که عبارت بودند از ترتیب برگزاری جشن‌ها در پایتخت، شهرها و روستاها، سفرهای شاه، مهمانی‌ها و آیین پذیرایی از سفیران کشورهای بیگانه. شاردن با دقت و ظرافت فوق‌العاده‌ای مهمانی‌ها و جشن‌های شاهانه دربار صفوی از جمله جشن شاطر و نیز مجالسی را که تحت عنوان بار عام برای دیدار سفرای کشورهای بیگانه از شاه ایران ترتیب داده می‌شد، به تصویر کشیده است.

بنابر روایات شاردن در عصر صفوی، جشن‌های بزرگ شاهانه معمولاً در تالارهای وسیع چند اشکوبه، یکی بر فراز دیگری برگزار می‌شد و ترتیب برگزاری جشن‌ها اینگونه بود که مدعوان از خیابان‌ها و باغچه‌هایی که بر دو طرف آن‌ها درختان ستبر و سایه‌افکن بود می‌گذشتند و یکی از تجمعات عمده این جشن‌ها وجود تعداد زیادی اسب‌های قوی هیکل و زیبا بود. (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۸۶/۳).

به گفته شاردن، دربار ایران هنگام پذیرایی از سفیران و فرستادگان کشورهای بیگانه تجمعات بی‌نظیری به عمل می‌آوردند و بنابر گزارشاتی که شاردن نقل کرده است، از روزی که سفیر یا ایلچی پا به مرز ایران می‌گذاشت، در شمار میهمانان شاه محسوب می‌شد و نیز حاکم یا ناظر در نکوداشت و حرمت‌گذاری به آنان بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند. (همان: ۱۲۹۹/۳) علاوه بر این، شاردن در این باره یادآور شده است که دربار ایران به منظور نمایاندن شوکت و جلال خود مدتی سفیران را در انتظار تشریف به حضور شاه، ناشکیبا نگه می‌داشتند و با اینکه به کمال اشتیاق ایشان آگاه بودند، بدین کار تمایل نشان نمی‌دادند. این نیز از آداب دربار ایران عصر صفوی بود که سفیران پیش از شرفیابی به حضور شاه اجازه نداشتند از خانه‌ای که در آن ساکنند بیرون روند. ایرانیان بر این باور بودند که برگزاری این آداب و رسوم، نشان‌گر امانی‌داشت و حرمت‌گذاری به سفیر است. (همان: ۱۳۰۰/۳)

آداب معاشرت اجتماعی ایرانیان

در نگرشی کلی به موضوع بررسی آداب معاشرت اجتماعی ایرانیان عصر صفوی بر اساس گزارش‌های شاردن، نخست این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که آداب و معاشرت اجتماعی ایرانیان شامل چه مواردی هستند و این آداب و عادات ایرانیان از دیدگاه شاردن دارای چه مشخصه‌های بوده و چگونه ارزیابی می‌شوند؟

در بررسی آداب معاشرت اجتماعی ایرانیان به عنوان مقوله اجتماعی گسترده و فراگیر، مواردی از جمله آداب دید و بازدید در جوامع مختلف، برگزاری مجالس مهمانی، نحوه پذیرایی میزبان، نشست و برخاست در مهمانی‌ها و حتی آداب سخن گفتن را در بر می‌گیرد. بر این اساس، پژوهش حاضر ضمن بیان برخی خصوصیات و عادات اخلاقی مردم ایران عصر صفوی، بازتاب موارد فوق را در نحوه برخورد و آداب معاشرت اجتماعی آنان را از منظر سیاح برجسته اروپایی، ژان شاردن مورد بررسی قرار داده است و در خلال آن دستیابی به برخی دیدگاه‌های ژان شاردن در این باره حاصل شد.

در مورد آداب و دید و بازدید ایرانیان عصر صفوی، چنانچه شاردن روایت کرده است، رسم ایرانیان بر این بوده است که در هرگونه شادی و سوگواری و اعیاد رسمی، در حوادث تلخ و شیرین و جشن‌ها از یکدیگر دید و بازدید به عمل می‌آوردند. در این قبیل مواقع بزرگان از کوچکان انتظار بازدید داشتند و سپس بزرگان به دیدن افراد کوچکتر می‌رفتند. (همان: ۷۶۸/۲)

از دیدگاه شاردن، مردمان مشرق زمین هنگام حضور در چنین مجالس و دید و بازدیدهایی، طرز نشستن آنها موقر و متین است و کمتر از اروپاییان تحرک دارند و بی‌تابی و بی‌قراری و حرکات ناموزون و نامانوس از خود نشان نمی‌دهند؛ مگر برای رفع خستگی و برای تاکید گفتار و عقیده کسی از حرکات دست و سر کمک نمی‌گیرند. به گفته شاردن:

نشستن در مجالس [ایرانیان] آداب خاصی دارد؛ در حضور کسانی که احترامشان واجب و لازم است، زانو را به زمین می‌زنند و روی دو قوزک پا می‌نشینند و در مجلس متشکل از همسایگان، طرز نشستن راحت‌تر است. دوستان و بستگان در چنین مجالس یکدیگر را به راحت نشستن دعوت می‌کنند. یعنی هر گونه می‌خواهند ساق پای خود را به حالت متقاطع درآورند. اما اگر یک نیمه روز هم در جای خود بنشینند، وضع نشستن خود را تغییر نمی‌دهند. حرکاتی که در چنین مواردی از ما ظاهر می‌شود، مایه شگفتی ایرانیان است؛ آنها معتقدند از اشخاص متین و موقر چنین حرکات ناخوشایند سرنمی‌زند. (همان: ۷۶۹/۲-۷۷۰)

در ارتباط با آداب مهمانی و پذیرایی از مهمانان میان ایرانیان عصر صفوی، شاردن به این موضوع اشاره دارد که در عصر صفوی چنانچه وی مشاهده کرده است، مهمانی‌ها معمولاً روز جمعه که روز تعطیل هفتگی مردم بود برگزار می‌شد. معمولاً سفره‌ها را هر چه بیشتر رنگین می‌کردند و آنچه زیاد می‌آمد، افراد خانواده روز بعد مصرف می‌کردند.

اصولاً ضیافت‌های مردم مشرق زمین از بامداد تا شامگاه ادامه داشت و مهمان‌ها در طول

این مدت، اوقات خود را با کشیدن چپق و قلبان، حرف زدن و خواب پس از نهار، نماز جماعت و شنیدن یا خواندن اشعار حماسی می‌گذرانند. (همان: ۸۴۰/۲)

چنانچه ذکر شد، شاردن بر این باور است که ایرانیان مردمی مهمان‌نوازند و رسم مهمان‌نوازی را به خوبی به جا می‌آورند و به گفته وی او در کشوری به سر می‌برد که مردم آن به مهمان‌نوازی شهره‌اند و به جرئت می‌توان گفت که در سراسر گیتی هیچ مملکتی وجود ندارد که مردمانش چنین نرم‌خو و مهمان‌دوست باشند. به طور کلی رسم مهمان‌نوازی ایرانیان در نظر شاردن از صفات ستوده و پسندیده و درخور تحسین است.

آداب معاشرت و نشست و برخاست ایرانیان در مجالس و مهمانی‌ها در دوره صفوی از دیدگاه شاردن، چنان بود که به برخی از آنها اشاره شد. اما آیین سخن گفتن ایرانیان از منظر شاردن، بسی دل‌نشین‌تر، ملایم‌تر و مهرآمیزتر است. به گفته شاردن، ایرانیان هنگام سخن گفتن چه از زبان خود یا دیگران سخن گویند، همیشه ضمیر سوم شخص به کار می‌برند. روایت شاردن در مورد آداب سخن گفتن ایرانیان چنین است:

ایرانیان مهرورزترین، خون‌گرم‌ترین و باصفا‌ترین ملت‌های سراسر گیتی می‌باشند. نرم‌گو و لطفه‌پرداز و شیرین‌بیان و ملایم طبع هستند؛ سخن برداخته و سخن سنجیده می‌گویند. ناشدنی است که سخنی بر زبان آورند که موجب رنجش و ملال کسی شود و اگر ناچار شوند خبر بد به کسی بگویند، تلخی و ناهمواری آن را با آوردن کلمات و عبارات دلنشین و شیرین می‌کاهند. (همان: ۷۷۱/۲).

توصیف‌ها و تحلیل‌هایی که از فرهنگ و رسوم و خصوصیات اخلاقی ایرانیان در این دوره توسط شاردن ارائه شد و مقایسه آن با جوامع اروپایی سده هفدهم میلادی، نشانگر تفاوت‌های شگرف میان این دو جامعه است. این تفاوت‌ها در نحوه نگرش شاردن به فرهنگ ایرانی و در گزارشات وی به خوبی نمایان است. آشکار است که ایرانیان (چه مردم عامه و چه درباریان) در مجالس و مهمانی‌های خود به لحاظ نحوه نشست و برخاست، پذیرایی از مهمانان و آداب سخن گفتن، نسبت به اروپاییان، تشریفات و تعارفات بیشتری به جا می‌آورند.

آداب و رسوم غذایی ایرانیان

آداب و رسوم غذایی یکی از مهم‌ترین وجوه فرهنگی هر ملت به شمار می‌آید. فرهنگ غذایی که شامل دو بخش مواد غذایی و آداب غذایی است، از جمله مقولات زندگی روزمره مردم

است که به همراه پوشاک و مسکن، اولین مظاهر فرهنگی هر تمدن است. آموزه‌های اسلام، این آداب را از روح و ماهیت زرتشتی به سمت آداب و رسوم اسلام سوق داده و فرهنگ ایرانی با این آموزه‌ها عجین شده است.

از دیدگاه شاردن ایرانیان نسبت به اروپاییان طبعاً مردمانی کم‌خوراک‌تر هستند و گرچه آموزه‌های دین اسلام مردم را به قناعت فرا می‌خواند، اما عادات غذایی ایرانیان، علل مهم‌تری از جمله اقلیم ایران و عدم دسترسی آسان مردمان مشرق زمین به مواد غذایی دارد. (نک: همان: ۸۱۹/۲).

شاردن ضمن توصیف نحوه گستردن سفره ایرانیان، تفاوت‌های آن را با اروپاییان بیان می‌کند. بر این اساس نحوه چیدن سفره در ایران بسیار ساده‌تر از اروپا به نظر می‌رسد.

در مورد آداب کلی غذا خوردن، گزارش‌های شاردن بیانگر این است که ایرانیان هنگام غذا خوردن از سخن گفتن پرهیز کرده و معمولاً غذا را با دست صرف می‌کنند.

شاردن با مشاهده اسباب و اثاثیه منزل ایرانیان در این باره گزارشات جالب توجهی ارائه داده است. بر مبنای این گزارش‌ها، اثاث خانه مشرق زمینی‌ها از لوازم خانه اروپاییان بسیار کمتر و ساده‌تر بود. ایرانیان اتاق‌های خود را نخست با نمدهای ضخیم فرش می‌کردند و روی آن یک یا دو فرش پهن می‌کردند. دورتا دور اتاق‌ها را نهالی‌های کوچکی می‌گذاشتند؛ روی آن را پوششی می‌گستراندند که از جنس پنبه یا کتان بود. این نهالی‌های کوچک صندلی مشرق زمینی‌ها بود. در ادامه شاردن می‌گوید:

ایرانیان در اتاق‌ها و تالارهای خود چیزی نمی‌گذارند؛ نه مثل اروپاییان میز و صندلی و تخت خواب دارند و نه آئینه و میزگرد و تابلو. آنان خیلی راحت‌تر از آنچه ما روی صندلی می‌نشینیم روی قالی می‌نشینند و من چنان به نشستن روی قالی به شیوه‌ی ایرانیان عادت کرده‌ام که از نشستن روی صندلی خوشترم می‌آید. وقتی انسان به رسم ایرانیان روی نهالیچه‌ها می‌نشیند، احساس راحتی و آرامش می‌کند. همچنین در فصل زمستان اگر انسان به رسم ایرانیان روی زمین بنشیند زودتر و بهتر گرم می‌شود. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۱۲/۲-۸۱۳).

^۱. تشک، مسند یا هر چیز که بر آن نشینند (لغت نامه دهخدا).

تفریح و سرگرمی ایرانیان عصر صفوی

از گذشته‌های دور تا کنون تفریح و سرگرمی میان مردم جوامع مختلف امری نهادینه بوده است و این عمل موجب ایجاد تعادلی روحی در افراد بوده و به عنوان اعمالی فرح بخش میان مردم رواج داشته است. از جمله تفریح ایرانیان در عصر صفوی بازی شطرنج بود و برخی از بزرگان و افراد طبقه ممتاز، اوقات فراغت خود را به بازی شطرنج می‌گذراندند. این بازی نیز در عصر صفوی، ظاهراً مانند دیگر بازی‌هایی که قمار به شمار می‌آمد، حرام بود. اما شطرنج بازی در اجتماع مخالف شئون شمرده نمی‌شد.

یکی دیگر از تفریحات و سرگرمی ایرانیان عصر صفوی به بیان شاردن، ورزش‌ها و بازی و نمایش - هایی از جمله شمشیربازی، تیراندازی، خیمه شب‌بازی و غیره بود که عمدتاً میان جوانان مرسوم بود. شاردن با مشاهده نوع سرگرمی و بازی ایرانیان در این دوره، بر این باور بود که ایرانیان میان ورزش و بازی تفاوت زیادی قائل نیستند و بازی‌های مهم را ورزش و بازی‌های فاقد اهمیت را به طور اعم بازی می‌نامند و این توصیف شاردن در مورد ورزش و بازی ایرانیان، با واقعیت مطابقت دارد؛ زیرا ورزش‌هایی که در ایران معمول بوده در حقیقت بازی‌های مناسبی بود که هدف از آن نیرومند کردن بدن و آماده ساختن آن برای به دست گرفتن سلاح و به کار بردن آن بوده است.

شاردن ورزش‌های رایج در عصر صفوی را شاخصی برای توصیف فرهنگ عمومی و ریشه‌دار این سرزمین در نظر گرفته است. او ورزش ایرانیان دوره صفوی را همچون اشکانیان می‌داند و به این نکته تاکید دارد که نه تنها با گذشت زمان، بلکه آیین و مذهب، هیچ گونه تغییر و تحول اساسی در این گونه فعالیت‌ها ایجاد نکرده است. (همان: ۱۰۹/۷). بنابراین شاردن ضمن مطالعه فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان در دوره حضورش در ایران، به مطالعه و بررسی تاریخ ایران قبل از ورود اسلام به ایران پرداخته است و با مقایسه آن با ساختار جامعه عصر صفوی به نتایج جالب توجهی دست یافته است.

دیگر تفریحات عمده و عادات ایرانیان، گذران اوقات در قهوه‌خانه‌ها بود. قهوه‌خانه عبارت بود از اتاق‌های بسیار وسیعی که در بهترین و پرجمعیت‌ترین نقاط شهر ساخته می‌شد؛ زیرا قهوه‌خانه مکانی بود که جمعیت کثیری از طبقات مختلف مردم ایران برای نوشیدن چای و صحبت، گرد هم می‌آمدند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۴۴/۲) جشن شاطری از دیگر مراسم ملی و در حقیقت تفریح و سرگرمی ایرانیان عصر صفوی به شمار می‌آمد. شاطر اصطلاحاً به معنی نوکر بار

پای شاهنشاه بود و جشن شاطر آزمایش تندروی کسی بود که داوطلب خدمت در دربار شاه بود.

آداب و رسوم مذهبی ایرانیان در دوره صفوی

مراسم مذهبی به عنوان قابل مشاهده‌ترین، آشکارترین و برجسته‌ترین اجزا و عناصر اعمال دینی ریشه در ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی هر دوره دارد. (رنجبر، ۱۳۹۰: ۱-۲). در نتیجه بازنگری آداب و رسوم مذهبی و مشخصه‌های برجسته این عناصر فرهنگی ایرانیان عصر صفوی، آن هم از نگاه سیاحان اروپایی که موضوع این نوشتار است، در بررسی‌های تاریخی و فرهنگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در ایران دوره صفوی، دو گروه آداب و رسوم جمعی و فراگیر به عنوان اجزای یک فرهنگ مشترک عمومی وجود داشته است که بخش دوم آن به آداب جمعی دینی ایرانیان مسلمان از جمله اعیاد و جشن‌ها، مناسک و مناسبت‌های مذهبی و عزاداری‌های دینی اختصاص دارد. شاردن با پرداختن به موضوعاتی از قبیل جشن‌ها، موالید، سوگواری‌ها، عزاداری‌ها و آداب و رسوم، در واقع به این نکته تاکید دارد که در دوره صفویه و به مدد این دولت، ارتقای فرهنگ قومی به سطح فرهنگ ملی را شاهد هستیم. فراگیری مناسبت‌ها و مناسک فرهنگی در دوره صفویه و توجه همه قشرهای جامعه به این مهم، یادآور این نکته است که در دوره صفوی با یک فرهنگ ملی در مقابل فرهنگ قومی از قیل موجود روبرو هستیم که رکن مهمی در تکوین هویت ملی محسوب می‌شود. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۰۳-۳۰۴)

اعیاد و جشن‌های مذهبی ایرانیان؛ مراسم عید قربان

از ابعاد مهم و برجسته فرهنگ عمومی و مشترک هر ملت، اعیاد مذهبی هستند که میان اعضای یک ملت به شکل فراگیر مورد توجه و اقبال است و با انجام آن نمایی از همبستگی و اتحاد مذهبی را به نمایش می‌گذارند. شاردن در مورد نحوه آداب و مراسم عید مذهبی قربان که برای بزرگداشت خاطره قربانی کردن اسحاق به وسیله ابراهیم برگزار می‌شد، بیان کرده است: ایرانیان این عید را با قربانی کردن یک گوسفند، بز یا حتی اسب جشن می‌گرفتند. در اصفهان این مراسم به صورت رسمی برگزار می‌شد و اغلب شاه و رجال مهم با شرکت اصناف دیگر در مراسم قربانی کردن شتر حاضر بودند. شاردن در مراسم قربانی کردن شتر که به یادبود قربانی کردن حضرت ابراهیم مدر اصفهان انجام شده بود، حضور داشته و این مراسم توسط شاردن چنین توصیف شده است که در این روز به محض ورود شاه، شتر را وادار می‌کردند زانو بزنند.

روحانیون که همه سوار بر اسب بودند به یک طرف می‌رفتند و دعای خود را در میان هیاهوی فوق‌العاده انبوه مردم تمام می‌نمودند. شاه و درباریان نیز، سوار بر اسب حرکت می‌کردند. در ادامه مراسم، نیزه کوتاهی که دسته‌اش مزین به طلا بود را در شانه چپ قربانی فرو کردند و در همان حال با صدای بلند، دعایی می‌خواندند مبنی بر آن که این قربانی مقبول خداوند واقع شود و برای شاه و مردم رحمت و برکت بیاورد. پس از آن که شاه ضربه را فرود می‌آورد، تعداد زیادی از مردم به قربانی حمله برده و با تبر آن را به شش بخش تقسیم کرده و هر کدام از این قطعات را به محله‌ای که تعیین شده بود، می‌بردند و در طول مسیر مرثیه‌خوانی و موعظه می‌نمودند. (فریر، ۱۳۸۴: ۲۱۶)

آداب و آیین سوگواری‌های مذهبی ایرانیان

در کمتر سفرنامه‌ای است که ذکری از سوگواری محرم به میان نیامده باشد و این امر به این خاطر است که مراسم این ایام برای سفرای خارجی و سیاحان اروپایی، اغلب شگفت‌آور بوده و از جنبه‌های مختلفی از جمله شکلی و محتوایی حاوی مفاهیم خاصی بوده است. در عزاداری‌های مذهبی ایرانیان، علاوه بر مناسک و عبادات فردی و جمعی و اعیاد، به ویژه در مذهب شیعه، بخشی از آداب مذهبی به عزاداری‌ها که یادآور ظلم‌های روا شده بر ائمه دین است، اختصاص دارد. این بخش از آداب همگانی مذهب شیعه، تا پیش از صفوی تنها در دوره‌آل‌بویه به نحوی نسبتاً فراگیر، در بخش‌هایی از ایران برگزار شده است. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۰۱)

بازتاب مراسم عاشورا در سفرنامه شاردن

یکی از اصلی‌ترین تجلیات مذهب شیعه، مراسم مهیج و پرابهت عاشورا و شهادت امام حسین ع است. در سال ۱۶۶۷م. شاردن، برای نخستین بار در اصفهان، شاهد مراسم بزرگ شیعیان به مناسبت ایام عاشورا بوده است. این عزاداری‌ها از دیدگاه شاردن هفته مقدس مسیحیان را به یاد می‌آورد. توصیف به جا مانده از مراسم عاشورا در گزارش‌های شاردن به نقل از فریر اینگونه است:

«این مراسم در ایران عصر صفوی چنین است که در این ده روز، هیچ ساز و دهلی به نشانه شادی و سرور نواخته نمی‌شود. مؤمنین به اصلاح سر و صورت نمی‌پردازند. حمام نمی‌روند سایرین لباس سیاه و ارغوانی رنگ می‌پوشند که رنگ عزا محسوب می‌شود. همه ظاهر و رفتاری

حزن آلود دارند و جامه عزای عمومی می‌پوشند. طی این ده روز در همه جای شهر می‌توان گروه‌های مردم عادی را مشاهده کرد. برخی از مردم خود را آغشته در خون کرده‌اند، یا سر تا پا مسلحند و شمشیرهای برهنه در دست دارند. جمعی از مردم در معابر حرکت کرده و دو عدد سنج بر هم می‌کوبند؛ در حالی که زبانشان همچون اشخاص طاقت از کف داده آویزان است و عجز و لابه می‌کنند و با نهایت قوت فریاد می‌زنند: حسین. حسین...» (فریر، ۱۳۸۴: ۲۱۴)

در طول ایام عزاداری، در کنار معابر و در امتداد چهارراه‌ها و میادین تکیه‌هایی بر پا می‌شود که در آن‌ها یک منبر و گرداگردش کرسی می‌چینند. چلچراغ و انواع فانوس‌ها تا یک ساعت پس از نیمه شب در آنجا روشن است و مردم از نواحی مجاور جمع شده و به عزاداران می‌پیوندند. در همین حال یکی از صوفیان یا مؤمنین عزادار، حاضران را با شرح ماجراهای مربوط به مراسم مشغول می‌سازد تا اینکه واعظ وارد می‌شود. وی برنامه را با قرائت یک فصل از کتاب *القتال* ادامه می‌دهد که زندگی و شهادت امام حسین را در ده فصل شرح داده و این کتاب در ده شب عزاداری خوانده می‌شود. واعظ درباره موضوع دو ساعت روضه می‌خواند و مردم گریه و زاری می‌کنند. (همان: ۲۱۴-۲۱۵)

شاردن ضمن اشاره به برگزاری این مراسم در عصر شاه صفی بیان می‌کند که در این ایام، شاه ایران دستور داد این مراسم ده روز تمام با شکوه و عظمت و پذیرایی از بسیاری از عزاداران با شام و فراهم نمودن مقدار زیادی غذا برای توده مردم برگزار شود. (همانجا). کرویس در کتاب خود شواهدی از برگزاری مراسم عاشورا به روایت شاردن ترسیم کرده است و به گفته‌ی شاردن:

هفت یا هشت بار این مراسم را در ایران دیدم. اما با شکوه‌ترین آنها را در سال ۱۶۶۷ م. / ۱۰۷۷ ق. مشاهده کردم. پادشاه تازه بر تخت شاهی نشسته و به عبارت دیگر تازه قدم به عرصه وجود گذاشته بود؛ این مراسم عزاداری را که هرگز ندیده بود، دستور داد آن سال هر چه بزرگتر و باشکوه‌تر برگزار کنند و تمام محله‌های اصفهان هیئت‌های عزاداری خود را به میدان فرستاده بودند. این هیئت‌ها از برابر شاه که در تالار سرپوشیده‌ای بالای سر در بزرگ عالی قاپو با درباریان خود جلوس کرده بود رژه رفتند و سینه زنان و کف بر دهان غریو «حسین حسین» به آسمان بلند می‌کردند. (کرویس، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۲)

واقعۀ لیلہ‌القدر

واقعۀ لیلہ‌القدر از دیگر وقایع مذهبی ایرانیان است که شاردن از آن به عنوان یک عید مذهبی نزد ایرانیان یاد می‌کند. بر این اساس واقعۀ لیلہ‌القدر به منظور تداعی خاطرہ شب معراج، یعنی عروج حضرت محمد به قاب قوسین به وجود آمده بود و در این واقعۀ آن حضرت تعلیمات و دستورات مربوط به آیین نوین خویش را از خداوند فرا گرفت و بدان وسیلہ اعراب را هدایت فرمود. (شاردن، ۱۳۳۸: ۵/۲۳۰) از خصوصیات این عید مذهبی آن بوده که در این مراسم فقط چند ادعیه و اذکار بخصوص خوانده می‌شد و بدین ترتیب عید مذکور را برگزار می‌کردند. همچنین در مورد آداب و سنن برگزاری اعیاد و جشن‌های مذهبی در دورہ صفوی به گفته شاردن، در هیچ یک از اعیاد اسلامی کار تعطیل نمی‌شد و فعالیت‌های روزمره همچنان در جریان بود. در این راستا بیان این نکته ضرورت دارد که با توجه به دقت و تیزبینی و نگاه تحلیل‌گرایانہ شاردن به موضوعات مختلف، طرح چنین دیدگاهی از جانب شاردن، حاکی عدم آگاهی شاردن از عمق و ژرفای برخی رسوم مذهبی ایرانیان است.

نتیجہ‌گیری

در بررسی آداب و رسوم ایرانیان، با ارزیابی دقیق و همه‌جانبه سفرنامہ شاردن و گزارش‌های وی در این راستا، گذشته از آشنایی شاردن با زبان فارسی و مطالعات عمیق، به عقیدہ نگارنده، دیدگاه شاردن نسبت به ساختار فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان، مستقیماً با فضای سیاسی و اجتماعی جامعہ ایران و فرانسه در قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی در ارتباط بوده است؛ علاوه بر آن، با سنجش ماهیت دیدگاه شاردن و شیوہ او در مطالعه و بررسی آداب و رسوم ایرانیان، در گزارش‌هایی که در این زمینه توسط شاردن ارائه شده است، می‌توان اظهار کرد: مهم‌ترین شاخصه نگرش شاردن به آداب و رسوم ملی ایرانیان عصر صفوی، تحلیل مصادیق گوناگون آداب و رسوم ایرانیان و مقایسه آن با آداب و رسوم جامعہ اروپایی و وجود تفاوت‌های عمده فرهنگی میان دو جامعہ از نگاه شاردن است. نگرش شاردن به مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و تداوم آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی بسیار خاص بوده است. بر اساس چنین دیدگاهی، آموزه‌های اسلامی و شرایط آب و هوایی در این دورہ در این اثرپذیری دخیل بوده‌اند. فرهنگ ایران باستان نیز دلیل دیگری است بر تأثیر این فرهنگ در آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی که در گزارشات شاردن (با توجه به مطالعات وی) به آن اشاره شده است. به بیان دیگر از

دیدگاه شاردن، نقش اساسی و تعیین کننده‌ی فرهنگ و تمدن ایران باستان در آداب و رسوم ایرانی و تکوین هویت ملی ایرانیان عصر صفوی، غیر قابل انکار است. علاوه بر آن شاردن در نگرش به آداب و رسوم مذهبی ایرانیان عصر صفوی در مواردی اندک در فهم و شناخت ماهیت اصول و آموزه‌های اسلامی، عاجز و غافل بوده است.

منابع

- انصاری، ج. (۱۳۹۱). **تاریخ فرهنگ ایران؛ از آغاز تا پایان عصر پهلوی**، تهران، سبhan نور.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- جعفری، علی اکبر، پاینده، عظیمه. (۱۳۹۴) «بررسی هویت ملی- تاریخی ایرانی در سفرنامه شاردن». فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۲۱، ۴۷-۶۸.
- دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵) **بررسی سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی**، اصفهان، فرهنگستان هنر.
- رنجبر، محمدعلی. (۱۳۹۰) **مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی**، شیراز، کوشامهر.
- رویمر، ه. ر. (۱۳۹۱) **تاریخ ایران دوره صفوی**، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲) **سفرنامه شاردن**. ترجمه اقبال یغمایی، تهران، طوس.
- _____ (۱۳۳۵) **سیاحت‌نامه شاردن**. ترجمه محمد عباسی، جلد ۱، تهران، امیرکبیر.
- _____ علوی زاده، فرزانه. (۱۳۹۳) «**تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن؛ تاملی در انگاره آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس**». جستارهای ادبی، ۱۸۵، ۱۴۷-۱۷۰.
- فریر، رونالد دوبیلو. (۱۳۸۴) **برگزیده و شرح سفرنامه شاردن**. ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی، تهران، نشر فرزانه روز.
- کرویس، دیرک واندر. (۱۳۸۰) **شاردن و ایران؛ تحلیلی از اوضاع ایران در قرن هفدهم میلادی**، ترجمه حمزه اخوان تقوی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۷) **تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران با تاکید بر دوره صفوی**، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.